

Durability and Dynamism of Cultural identity in Recent Residential Complexes; Case Study: Kermanshah Residential Complexes From 1980*

Abstract

Cultural identity and the analysis of its dimensions and components are among the most important issues facing developing societies. There are many studies in this field, but no reliable theoretical knowledge has been written, that can provide practical models for the durability and dynamism of cultural identity and illustrate its relationship with architecture. The importance of studying the issue of identity in residential areas is reflected in the impressive changes in the architecture and urban planning of cities in the 21st century. Developments in residential spaces are gradually doubling after land reform, urban population growth, and the use of new construction technologies. Kermanshah is one of the developing metropolises that has undergone many changes since developments of the Pahlavi period. The purpose of this study is to find the relationship between cultural identity and architecture of residential spaces and explain the position of durability and dynamism within this relationship. Based on Structuration theory, architecture acts as a social system of reproduction (reflection) of structure, and culture operates as the structure of residential spaces. Structures are "validated" affairs that humans create in interaction with phenomena and the environment, which are continuously recreated and reproduced in the context of society and everyday life. In this approach, structuration is the conditions governing the continuity or deformation of structures, and identity is representation of social systems. Thus, the analysis of the structural principles of systems focuses on methods of identification and distinguishing identity. If rules and resources that make up a system are discovered in the structures, all its components could be explained in its reproduction. The case study focuses on residential spaces in a part of 22 Bahman district of Kermanshah and tracks its evolution since 1978. Residential spaces in this research are investigated in four types: primitive villas, recent villas, primitive apartments, and newer apartments. Then, by conceptualizing in three categories -individual attitude, social attitude and human attitude towards nature and the environment- and by interviewing the inhabitants of residential spaces, the degree and correlation of durability and dynamism between the sources and rules of cultural identity and residential spaces are analyzed and evaluated. The relation between

Citation: Aghaeimehr, Moein; Gharehbaglou, Minou, & Pirbabaei, Mohammad Taghi (2024). Durability and dynamism of cultural identity in recent residential complexes; case study: Kermanshah residential complexes from 1980, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 29(2), 7-21. (In Persian)



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

* This article is extracted from the first author's doctoral dissertation, entitled "Explanation of the stability and dynamism of cultural identity in residential spaces; Case study: selected residential complexes in Kermanshah city", under the supervision of the second and the third authors at the Tabriz Islamic Art University.

Received: 25 Mar 2024

Received in revised form: 24 May 2024

Accepted: 21 June 2024

Moein Aghaeimehr¹ 

Assistant Professor, Department of Art and Architecture, National University of Skills (NUS), Tehran, Iran.

E-mail: Disa.ag@gmail.com

Minou Gharehbaglou²  (Corresponding Author)

Professor, Department of Architecture and Islamic Architecture, Faculty of Architectural and Urban Planning Engineering, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

E-mail: m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

Mohammad Taghi Pirbabaei³ 

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architectural and Urban Planning Engineering, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

E-mail: pirbabaei@tabriziau.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.378222.672987>

components of durability and dynamism of cultural identity and architecture of residential spaces is then illustrated by charts and tables. Based on the research findings, regarding the durability and dynamism of cultural identity in relation to the architecture of residential spaces in Kermanshah in recent decades, it can be said that from the 1980 AD until now, the durability of the cultural identity of the family and the architecture of residential spaces has gradually decreased and their dynamism has increased exponentially. As for the relationship between the cultural identity and architecture of residential spaces, we argue that although this dynamism is stronger and weaker in some components, it is often analogous in the family culture and the structure of the residential space. In this regard, the contradictory components between the durability and dynamism of cultural identity and the architecture have been revealed in the form of residents' dissatisfaction.

Keywords

Cultural Identity, Durability and Dynamism, Kermanshah City, Residential Complexes

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی معاصر موردپژوهی: فضاهای سکونتی کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون*

چکیده

هویت فرهنگی و تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های آن، از مهم‌ترین مسائل پیش روی جوامع در حال توسعه است که به مفهومی پر تناقض و پیچیده تبدیل شده است. یکی از کلان‌شهرهای در حال توسعه، شهر کرمانشاه است که به‌ویژه با بلندمرتبه‌سازی‌های دهه‌های اخیر، فرهنگ سکونت و معماری سکونتگاه‌های آن دگرگون شده است. سؤال پژوهش این است که هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی چه نسبتی دارد؟ و نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی کرمانشاه در دهه‌های

اخیر چگونه است؟ هدف از این پژوهش مطالعه تطبیقی پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه از دهه ۶۰ تا حال حاضر است. در این پژوهش، فضاهای سکونتی ساخته شده در بخشی از محله ۲۲ بهمن کرمانشاه، از دهه ۶۰ تا کنون، در چهار گونه ویلایی اولیه و متأخر و آپارتمانی اولیه و متأخر بررسی شده است. در ادامه با کمک راهبرد پس‌کاوی و روش تحلیل محتوای کیفی مشاهدات گونه‌های سکونتی و مصاحبه‌های ساکنین آن‌ها بررسی و با استفاده از استقرا و قیاس کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها صورت گرفته است. کدگذاری در سه حوزه گرایش‌های فردی، اجتماعی و محیط‌زیست در ارکان ساخت فضاهای سکونتی انجام شده و میزان و نسبت پایایی و پویایی در منابع و قواعد هویت فرهنگی در گرایش‌های سه‌گانه، تحلیل و ارزیابی شده است. در نهایت شدت و ضعف پایایی و پویایی در هریک از مؤلفه‌ها در فرهنگ سکونت و معماری فضاهای سکونتی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

پایایی و پویایی، کرمانشاه، فضاهای سکونتی، هویت فرهنگی

استناد: آقایی مهر، معین؛ قره‌بگلو، مینو و پیربابایی، محمدتقی (۱۴۰۳)، پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی معاصر؛ موردپژوهی: فضاهای سکونتی کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۹ (۲)، ۷-۲۱.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱
معین آقایی مهر^۱: استادیار گروه هنر و معمار، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران.
E-mail: disa.ag@gmail.com
مینو قره‌بگلو^۲ (نویسنده مسئول): استاد گروه معماری و معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
E-mail: m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir
محمدتقی پیربابایی^۳: استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
E-mail: pirbabaei@tabriziau.ac.ir
DOI: https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.378222.672987

مقدمه

امروزه کشور ایران و اغلب کشورهای اسلامی، بیش از هر زمان بر روی مسئله فرهنگ و هویت فرهنگی تمرکز کرده‌اند و در نقشه جامع علمی ایران، به توجه بر مسئله هویت اسلامی- ایرانی به شکل‌های گوناگون تأکید شده است. فقدان منابع و پژوهش‌های مدون در این حوزه، بر پیچیدگی‌ها و ابهام‌های موجود می‌افزاید و به ناکارآمدی آن‌ها در تحقق هویت‌مندی معماری و تحولات معاصر شهری می‌انجامد (آقایی مهر و قره‌بگلو، ۱۳۹۹). آنچه اهمیت پرداختن به مسئله هویت فرهنگی در فضاهای سکونت را دو چندان می‌کند، تحولات بسیاری از عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله شیوه زندگی، الگوهای رفتاری خانواده است که هم‌زمان با دگرگونی‌های فضاهای سکونت و معماری و شهرسازی سکونتگاه‌ها رخ داده است. از این منظر محور هویت‌یابی (خودیابی)، مناسبات و کنش‌های انسانی است و محیط فرهنگی در تکوین، استمرار و تحول هویت نقش مؤثری دارد و کالبد معماری در فضاهای سکونت به‌عنوان پدیده (محصول) فرهنگی، هم‌مظهر تجلی ارزش‌های فرهنگی است و هم بستر شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های اجتماعی است (آقایی مهر، قره‌بگلو و پیربابایی، ۱۴۰۲) و بررسی رابطه متقابل این دو، در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌ها می‌تواند راه‌گشای معماران و برنامه‌ریزان شهری باشد.

مکانیسم کنش انسان در جهان بر اساس اعتبار است (طباطبایی، ۱۳۸۷). اعتبارات اجتماعی به معانی و هویت‌های اجتماعی می‌پردازند که حالتی سراب گونه میان حقایق و اعیان دارند و بر مبنای عقل عملی، برای نیازمندی انسان در معیشت اجتماعی کاربرد دارند. انسان، هم این اعتبارات ساختاری را می‌سازد و هم مجدداً از آن‌ها برای اعمال عاملیت فردی خود استفاده می‌کند. در نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز^۱، ساختار از طریق عمل فرد ساخته می‌شود و عمل فرد درون ساختار محقق می‌شود. استفاده انسان در عمل اجتماعی از ساختارها، نوعی بازتولید

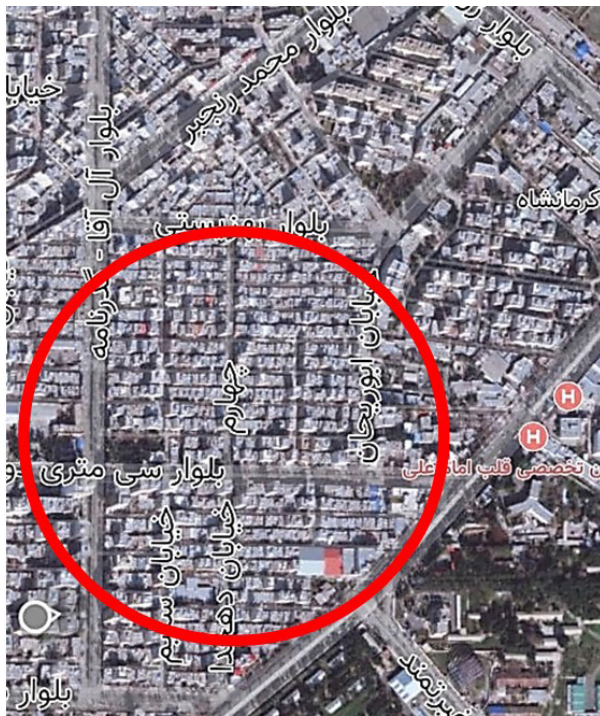
آن‌ها در قالب عمل جدید است (صدیقی، ۱۳۸۹). از کلان‌شهرهای در حال توسعه که از شروع تحولات نوگرایی دوره پهلوی اول تاکنون تحولات بسیاری را به خود دیده است، شهر کرمانشاه است که در دهه‌های پس از جنگ تحمیلی نیز به‌ویژه با افزایش تراکم‌های ساختمانی، آداب سکونت و چهره سکونتگاه‌های آن دگرگون شده است. پژوهش حاضر سعی بر این دارد که با اتکا به نظریه‌های نوین فلسفی و جامعه‌شناسی، به تحلیل هویت فرهنگی در فضاهای سکونت دهه‌های اخیر شهر کرمانشاه بپردازد. بر این اساس سؤال پژوهش این است که هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی چه نسبتی دارد؟ و نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی کرمانشاه در دهه‌های اخیر چگونه است؟ هدف کلی از این پژوهش مطالعه تطبیقی پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه از دهه ۶۰ تا حال حاضر است.

روش پژوهش

در این پژوهش از راهبرد پس‌کاوی و روش تحلیل محتوای کیفی بهره‌گیری شده است. پژوهش حاضر بر اساس هدف و ماهیت و با توجه به اهداف و پیش‌فرض مطرح‌شده تحقیق، به‌صورت توصیفی-تحلیلی و اکتشافی است، چراکه در پژوهش حاضر جهت تحقق و دستیابی به اهداف طرح‌شده تحقیق، ابتدا به بررسی ادبیات و مبانی نظری پرداخته می‌شود، در واقع نوع روش تحقیق توصیفی است. پژوهش شامل روش‌های تطبیقی، مطالعه موردی و تحلیل محتوا به‌صورت نظام‌دار مبتنی بوده است و محقق برای اینکه بتواند مؤلفه‌های هویت فرهنگی مؤثر بر طراحی و ساخت فضاهای مسکونی را مورد تفحص موشکافانه خود قرار دهد، از روش اکتشافی در این مورد بهره گرفته شده است. در این رهگذر از آن جهت که گردآوری داده‌ها تحقیق نیز در یک مقطع زمانی انجام شده است، تحقیق از نظر زمانی، مقطعی است. تحقیق حاضر بنیادی راهبردی محسوب می‌گردد، زیرا به‌منظور فراهم ساختن زمینه‌های علمی لازم برای حل مسائل جاری و آتی معماری کشور انجام می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. روش‌شناسی پژوهش.

راهبرد	پس‌کاوی	استخراج تحولات هویت فرهنگی در جامعه معاصر کرمانشاه و ارتباط آن با تحولات معماری فضاهای مسکونی	
روش تحقیق	کیفی	فرایند اجرا، بیان مبانی و مفاهیم، قواعد و رفتارهای فرهنگی در فضاهای مسکونی و تشریح آن‌ها	
	بنیادی	استفاده از نظریه ساخت‌یابی در معماری برای حل مسائل جاری و آتی معماری کشور، از نوع تحقیق بنیادی	
نمونه‌های آزمون	کاربردی	تحلیل فرهنگ سکونت در خانواده و فضاهای مسکونی و ارائه مدل عملیاتی برای تحلیل فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه و پاسخ به نیازمندی‌ها و حل معضلات موجود	
	جامعه‌آزمی	الگوهای فضاهای مسکونی منتخب در بخشی از محله ۲۲ بهمن شهر کرمانشاه	
روش‌های گردآوری داده‌ها	گام نظری	مطالعه کتابخانه‌ای	
	گام میدانی	مشاهده	تدوین چارچوب نظری با داده‌های دست اول و دوم و سوم پژوهش‌گران این حوزه
		مصاحبه	به‌عنوان ابزار اصلی جهت شناسایی پایایی و پویایی در هویت کالبدی فضاها
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	استدلال منطقی	به‌عنوان ابزار اصلی بررسی و تحلیل پویایی هویت فرهنگی	
	تحلیل محتوا	استدلال منطقی در مطالعات کتابخانه‌ای و مبانی نظری و مفهوم‌سازی	
	استقرایی و قیاسی	تحلیل محتوا در تحلیل مشاهدات و مصاحبه و تحلیل یافته‌های مصاحبه‌ها در چارچوب نظری پژوهش	
		استقرار و قیاس در کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های مشاهدات و مصاحبه‌ها	



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای محدوده مورد مطالعه پژوهش. مأخذ: (گوگل ارث، ۲۰۲۱).

در یکی از گونه‌های سکونتی مشاهده شده را داشته باشند، به عنوان جامعه آماری در مصاحبه‌ها، مورد پرسش قرار می‌گیرند. در نمونه‌گیری و انتخاب جامعه آماری از نمونه‌گیری طبقه‌ای (بلیکی، ۲۰۰۰/۱۳۹۵) استفاده می‌گردد، تا از طبقات مختلف اجتماعی و سنی و جنسیتی با سطوح مختلف تحصیلات و تخصص استفاده گردد. این روش نمونه‌گیری به دو منظور اصلی به کار می‌رود: اولاً اینکه مقوله‌های خاصی از جمعیت در نمونه حضور دارند و نیز دومین کاربرد اصلی آن حصول اطمینان از این است که از همه مقوله‌های تحت مطالعه در نمونه‌ها حضور دارند. در هر یک از گونه‌های ویلایی اولیه و ویلایی متأخر ۱۰ مصاحبه و در گونه‌های آپارتمانی اولیه و متأخر ۷ مصاحبه به انجام رسید تا اشباع اطلاعاتی این گام حاصل شد. مصاحبه‌های گونه‌های اولیه ویلایی از «۱۰-۱» تا «۱۹-۱» و مصاحبه‌های گونه‌های متأخر ویلایی از «۲۰-۲» تا «۲۹-۲» و گونه‌های اولیه آپارتمانی از «۳۱-۱» تا «۳۷-۱» و گونه‌های متأخر آپارتمانی از «۴۱-۲» تا «۴۷-۲» شماره‌گذاری شده‌اند.

پیشینه پژوهش

در حوزه فرهنگ و هویت در معماری پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است (Rapoport, 2005 & 1969; Lang, 1987; Frampton, 2007; Abel, 1997; Broadbent, 1980; Correa, 1983; Schultz, 1988 & 2000; Giddens, 1991; Marcus, 2006; Jung, 1969; Strauss, 1972; Jenkins, 2014) که شرح و دسته‌بندی آنها در این مقاله نمی‌گنجد و در پژوهش‌های پیشین ارائه شده است (آقایی مهر، قره‌بگلو و پیربابایی، ۱۴۰۲). در جمع‌بندی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در ارتباط با فرهنگ و معماری، می‌توان دو جریان کلی را مشاهده کرد: شکل اول جریانی است که مانند پژوهش حاضر، معماری به عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و در مقابل، در شکل دوم هویت در خود

در گام میدانی، جهت شناسایی هویت کالبدی فضاها و تحولات آن، از مشاهده به عنوان ابزار اصلی شناسایی هویت کالبدی فضاها سکونتی و از مصاحبه برای تحلیل هویت فرهنگی ساکنین استفاده شده است. در تحلیل محتوای کیفی، محتوای پنهان پیام مورد توجه است و به این دلیل نگاه عمیق‌تری به کلمات و عبارات داده‌های کیفی وجود دارد، زیرا ادراکات و تفاسیر پژوهشگر از یک معنای ارتباطی کدگذاری می‌شود (Berelson, 2000). در تحلیل محتوای گونه‌ها و مصاحبه‌های ساکنین فضاها سکونتی، با استفاده از روش‌های استقرایی و قیاسی به توسعه نظام طبقه‌بندی داده‌های پژوهش پرداخته شد؛ چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است (Krippendorff, 2012). بدین ترتیب، در این پژوهش کدهای اولیه مصاحبه‌ها از داده‌های نظری استخراج و دسته‌بندی می‌گردد، تا در گام میدانی مورد بررسی و راستی‌آزمایی قرار گیرد. در راستای تحقق پایایی پژوهش، در متغیرهای مصاحبه‌ها، از نشانگرهای مختلف برای هر مفهوم چارچوب نظری پژوهش استفاده شده و ۸ مصاحبه پایلوت (پیش‌آزمون) و ۴ مصاحبه برای تایید اشباع داده‌ها برگزار شده است. پس از مصاحبه‌های پیش‌آزمون، کدهای اولیه مستخرج از چارچوب نظری مورد بازنگری قرار گرفته و نسخه نهایی سؤالات مصاحبه و چارچوب نظری طراحی گردیده است. برای روایی بیشتر پژوهش، از صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی و پژوهشگر پژوهشگر با تجربه زیستن در اغلب گونه‌های آزمون و روش روایی محتوایی در تحلیل متغیرهای مصاحبه‌ها استفاده شده است (جدول ۱).

نمونه‌های مورد مطالعه

در این پژوهش فضاها سکونتی شهر کرمانشاه و محدوده‌های از قطعات حدود ۱۵۰ تا ۲۴۰ متری محله ۲۲ بهمن به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است (تصویر ۱). شروع واگذاری زمین‌ها و ساخت خانه‌های مسکونی در این محله با ساخت خانه‌های یک و دو طبقه از اواخر دوره پهلوی بوده و مواجه با پیچیدگی انواع گونه‌های سکونتی موجود در بافت‌های قدیم و طرح‌های نوسازی، بهسازی و احیا و غیره نبوده و بافت نسبتاً یکنواختی از نظر کالبدی (قطعات تفکیکی شمالی-جنوبی با بر ۱۰ تا ۱۲ متر و طول ۱۵ تا ۲۱ متر و هم‌گونه‌های ساختمانی) و فرهنگی (در منطقه نسبتاً مرفه‌نشین شهر) دارد و متغیرهای مداخله‌گر در آن دخالت چندانی ندارند. در عین حال، تحولات گوناگون، سیر از خانه‌های ویلایی به نسل اولیه آپارتمان‌های مسکونی و با تداوم ساخت و سازها در سال‌های اخیر نمونه‌های متأخر آپارتمان‌سازی را به خود دیده است. این ویژگی‌ها امکان بررسی تحولات گونه‌های سکونتی را از دهه ۶۰ تا کنون را میسر می‌دارد.

با توجه به تغییرات ساختار فضایی در نمونه‌های اولیه ویلایی (دهه ۶۰ و ۷۰) نسبت به نمونه‌های متأخر ویلایی (از اواسط دهه ۷۰ تا دهه ۸۰) و بلندمرتبه‌سازی‌های اولیه که از دهه ۷۰ تا اواسط دهه ۸۰ آغاز می‌گردد، و تغییراتی که در بلندمرتبه‌سازی‌ها از اواسط دهه ۸۰ آغاز می‌گردد، نمونه‌های مورد مطالعه در چهار گونه «ویلایی اولیه»، «ویلایی متأخر»، «آپارتمانی اولیه» و «آپارتمانی متأخر» دسته‌بندی شده است. (جدول ۲)

جامعه آماری

ساکنین منطقه مورد مطالعه و اطراف آن که حداقل تجربه زندگی

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی معاصر: موردپژوهی:
فضاهای سکونتی کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون

جدول ۲. الگوهای کلی ساختار فضایی گونه‌های مسکونی در محدوده مورد مطالعه.

الگوهای شمالی		الگوهای جنوبی		الگوی فضایی غالب گونه‌های ویلایی
ویلایی اولیه شمالی	ویلایی متأخر شمالی	ویلایی اولیه جنوبی	ویلایی متأخر جنوبی	گونه
				الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی اولیه
آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی اولیه جنوبی	گونه
				الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی متأخر
آپارتمانی متأخر شمالی	آپارتمانی متأخر جنوبی	آپارتمانی متأخر جنوبی	آپارتمانی متأخر جنوبی	گونه

محیط و بستر فرض می‌کند که تمامی شیوه‌های زندگی اعم از رفتار، تفکر، و احساس و همه مصنوعات، ارزش‌ها و هنجارها در آن جای می‌گیرد و گاه مناسبات و رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی افراد را در عرصه فرهنگ به بحث می‌گذارد. گیدنز در عمده مباحث خود به خواننده القاء می‌کند که تنها راه «خود»یابی (هویت‌یابی) در دنیای متجدد و فرهنگ جامعه جدید است (بهشتی‌نژاد، ۱۴۰۱). در مورد شکاف‌های مشاهده شده در پژوهش‌های پیشین در ایران می‌توان گفت که بسیاری از این

اثر و به‌عنوان معنا، مفهوم و ویژگی‌های اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این دیدگاه، معماری به‌عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و نقشی اساسی در برقراری روابط اجتماعی و آرامش روانی فرد بر عهده خواهد داشت. بنابراین معماری نقشی مشابه نوع خودرو، ظاهر افراد، شیوه لباس پوشیدن و نحوه رفتار آن‌ها در موقعیت‌های مختلف بر عهده داشته و مانند عنصری نمادین یا نقابی بر روی چهره فرد عمل می‌کند (سلیمانی، اعتصام و حبیب، ۱۳۹۵). گیدنز فرهنگ را گاه به‌مثابه

پژوهش‌ها، به هویت کالبدی پرداخته و امکان تحقق هویت‌مندی را در تغییرات کالبدی (به‌کارگیری تکنولوژی یا مدل‌های معاصر) مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و یاد در هویت‌مندی را در معماری سنتی و خانه‌های دوره پهلوی و قاجار و پیش از آن جستجو کرده‌اند؛ در حالی که به‌نظر می‌رسد با توجه به تحولات وسیع فرهنگی، اجتماعی و غیره در شهرهای معاصر، این بازگشت به گذشته به ارائه راه کارهای عملی معماری معاصر، کمک چندانی نداشته باشد. در این پژوهش فضاهای سکونت‌دهی معاصر و تحولات آن مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

واژه «هویت» معمولاً با پسوند خود شناخته می‌شود. در واقع هویت آنچه کسی یا چیزی هست (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴)، همان بودن یا چیستی و چگونگی او (مهدوی‌نژاد و آقایی‌مهر، ۱۳۹۹) و «هویت فرهنگی» چیستی و چگونگی فرهنگ او و هویت فرهنگی در فضاهای سکونت‌دهی چیستی و چگونگی فرهنگ او در سکونت‌گزیدن است. واژه «پایایی» به معنای پایداری، ثبات، استحکام در شرایط مختلف و در طی زمان است که در مورد هویت فرهنگی به انسجام و تداوم مؤلفه‌های فرهنگ و حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی می‌انجامد. «پویایی» هویت فرهنگی مفهومی است که به چگونگی تغییرات، تحول و تکامل فرهنگ‌ها در شرایط و زمان‌های مختلف اشاره دارد و به بررسی فرایندهای در حال تغییر باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارهای اجتماعی و محصولات افراد جامعه در سطوح مختلف فردی و اجتماعی می‌پردازد (Giddens, 1990).

هنگامی که یک فرد با اراده و آگاهی خود به یک معنا پیوند می‌خورد، ارتباط وجودی خود را با آن معنا و معانی زمینه‌ساز آن برقرار می‌سازد و از معانی در تعارض و تضاد با آن معنا، روی گردان می‌شود. این رفتار هماهنگ و تا حدودی همسان در بستر زمان که در میان آحاد جامعه اعتبار می‌شود و به اشتراک گذارده می‌شود، موجب کسب هویتی جمعی در میان آن افراد می‌شود؛ به‌گونه‌ای که رفتار مغایر با آن در میان اجتماع ایشان غیرمنتظره و ناهنجار تلقی می‌شود (پارسا، ۱۴۰۰). هویت‌های اعتباری توسط انسان اعتبارساز معتبر شده‌اند (پارسا، ۱۳۹۳) و ساختار کنش انسان در جهان خودد (طباطبایی، ۱۳۹۸). از این منظر اعتبارکردن، ابزاری برای اعمال عاملیت انسان (طباطبایی، ۱۳۸۷) و اعتبارات، ساختار مفهوم‌سازی عقل عملی در تعریف بایدهای حاکم بر کنش‌های فردی و اجتماعی (حسینی و موسوی، ۱۳۹۱) محسوب می‌گردند.

ساختارها عنصری عینی و فیزیکی نیستند، بلکه انگاره‌ای ذهنی‌اند که به‌عنوان ساختار کنش و اعمال انسانی و قواعد شکل‌گیری آن کاربرد دارند (Bryant & Jary, 1991). ساختار از طریق عمل فرد ساخته می‌شود و عمل فرد در درون ساختار محقق می‌شود. استفاده انسان از ساختارها در عمل اجتماعی، نوعی بازتولید آن‌ها در قالب عمل جدید است. بدین‌ترتیب فرهنگ، هم هویتی متجلی در افعال و کنش‌های اجتماعی می‌یابد و هم افعال و کنش‌های اجتماعی، فرهنگ و هویت جمعی را شکل می‌دهند، و مصنوعات و پدیده‌های فرهنگی (از جمله آثار معماری)، پس از تحقق افعال فرهنگی ظهور می‌یابند. از این جهت (دادن ساختار به کنش‌های انسان و به دنبال آن، ساختار یافتن از کنش‌های

انسان به‌عنوان عامل)، فرهنگ به‌مثابه ساخت (در نظریه ساخت‌یابی) عمل می‌کند (Lechet, 1994). در این نگاه، عناصر و اجزای فرهنگ، به‌مثابه ساخت، هویتی مستقل از خود ندارند و گریه‌بردار و پذیرای هویت ساخت حاکم بر فرهنگ هستند (پیربابایی و ایرانشاهی، ۱۳۹۹). بنابراین می‌توان عناصری را در پس هر فرآورده فرهنگی یافت که رابطه‌ای شبکه‌وار با یکدیگر دارند و این روابط، ساختار کلی را شکل می‌دهد که در نهایت در کانون و هسته اصلی آن پدیده فرهنگی مورد نظر نهفته است.

ساخت‌ها رویکردی دوجبهی دارند و به‌واسطه کارکرد دوگانه قواعد^۳ (محدودکننده) و منابع^۴ (تواناکننده) عمل می‌کنند (Sewell, 1992). بر این اساس، «ظهور» هنجارهای فرهنگی را نیز می‌بایست در قالب نتایجی مشابه و تکرارشونده جستجو کرد و برای شناخت اولیه آن‌ها، به دنبال مشابهت‌ها در محیط ساخته‌شده بود؛ که البته گیدنز در تعاریف فرهنگ خود، از آن به‌عنوان هنجار فرهنگی و در نظریه ساخت‌یابی به‌عنوان الزامات و قواعد محدودکننده نام می‌برد. منابع نیز در تئوری گیدنز به دو دسته تقسیم می‌شوند، منابع معتبر^۵ (مقتدرانه) که تدابیر و فرمان‌هایی را بر افراد و عاملان روا می‌دارد و منابع تخصیص^۶ که شامل ویژگی‌های محیط فیزیکی در استفاده از تولید و بازتولید (تکثیر) کالا است. (Giddens, 1997) قواعد نیز هم شامل قوانین و الزامات قانونی^۷ و هم جنبه اخلاقی^۸ شامل تعهد به پیروی از آن قوانین می‌باشند (Scapens & Macintosh, 1996).

در رویکرد فرهنگی، محیط فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد. در سطح مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر فضاهای سکونت‌دهی، با ارزش‌های موجود در علم اخلاق مواجهیم که قواعد و ساختارهایی در رابطه با هنجارها (بایدوبایدی‌های فرهنگی) تولید می‌کنند، یا در آن‌ها محقق می‌شوند. این مفاهیم بر الزامات، سنت‌ها و بایدها و نبایدهای فضاهای سکونت‌دهی تأثیرگذارند. در سطح بعدی که الگوهای عینی فضاها شکل می‌گیرد، فعالیت‌های فرهنگی یا همان افعال، رفتارها و کنش‌های انسانی رخ می‌دهد که به‌صورت دوسویه بر هم تأثیرگذارند، یعنی هم کنش‌ها را شکل می‌دهند و هم در کنش‌ها محقق می‌گردند. این الگوها در کالبد مکان و فضاهای سکونت‌دهی به‌عنوان پدیده (نظام) فرهنگی که بستر کنش‌های افراد و اعضای خانواده (به‌عنوان یک ساختار اجتماعی) است، متجلی می‌گردد (آقایی‌مهر، ۱۴۰۰). یعنی سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده، آداب و سنت‌های معماری فضاهای سکونت‌دهی را شکل می‌دهد و آداب و سنت‌های معماری، بستر شکل‌گیری سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده می‌شود.

در تحلیل محتوای گونه‌ها و مصاحبه‌های ساکنین فضاهای سکونت‌دهی با استفاده از روش‌های استقرایی و قیاسی به توسعه نظام طبقه‌بندی داده‌های پژوهش پرداخته شد؛ چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است. بدین‌ترتیب، در تهیه و تدوین چارچوب نظری پژوهش ابتدا گونه‌های فضاهای سکونت‌دهی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و گونه غالب ساختار فضاهای محدوده آزمون استخراج شد. سپس مفاهیم و کدهای مستتر در کنش‌های انسان در خانواده به صورت اولیه در چهار حوزه و پس از برگزاری مصاحبه و تحلیل محتوای گونه‌های فضاهای سکونت‌دهی و مصاحبه‌های ساکنین آنها، در سه حوزه گرایش‌های فردی، اجتماعی و در ارتباط با طبیعت طبقه‌بندی گردید. از

با توجه به مبانی نظری پژوهش از مؤلفه‌های ساخت (فرهنگ) به عنوان بستری برای فهم مسئله و تحلیل مصاحبه‌ها بهره‌گیری شده است. معماری فضاهای سکونتی قوانینی دارد که ساختار فضاهای سکونتی و روابط سیستمی اجزای آن را تعریف می‌کند. این قواعد هم بر مناسبات اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این قواعد هم شامل توصیه‌های اخلاقی و هنجارگونه می‌گردد و هم قوانین و احکام فقهی که بر اعضای خانواده و فضاهای سکونتی حاکم‌اند. منابع هم شامل منابع تولیدکننده فرمان، مانند احکام فقهی و سنت‌ها و منابع فیزیکی و کالبدی مانند مصالح و فناوری‌های طراحی و ساخت فضاهای سکونتی می‌شود که امکان مناسبات و کنش‌ها را در فضاهای سکونتی محقق می‌کند. (آقایی مهر، ۱۴۰۰) با مقایسه و انطباق کنش‌های جاری در هریک از محورهای گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت در فضاهای سکونتی در بستر ساخت خانواده، می‌توان به طیف جامعی از مؤلفه‌ها برای مهندسی فرهنگی فضاهای سکونتی دست یافت، که در جدول (۳) این پژوهش نمایش داده شده است.

یافته‌های پژوهش

گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های فردی

سلامت و بهداشت: در خصوص فضاهای بهداشتی بیشترین فراوانی در ابراز تمایل به پنهان بودن فضاهای بهداشتی یا نارضایتی از پنهان نبودن آن است. «(۱، ۲، ۱۱، ۲۰» به ترتیب ۵، ۸، ۷ و ۵ مورد و ابراز تمایل به سرویس داخل حیاط در گونه‌های «(۱، ۲» به ترتیب ۳ و ۶ مورد بوده است (جدول ۴).

هنر و زیبایی: در حوزه هنر و زیبایی ۱۷/۶٪ از مصاحبه‌شوندگان به نمای رومی و کلاسیک علاقه‌مند و ۱۷/۶٪ بی‌علاقه و گله‌مند و بقیه ۶۴/۷٪ بی‌تفاوت بودند یا نظری در این‌باره نداشتند و یا توجه به زیبایی طرح نما را بر نوع سبک آن ترجیح می‌دادند. تمایل به سبک‌های جدید دکوراسیون نیز به اشکال مختلف در اظهارات غالب ساکنین مشهود بود (جدول ۴).

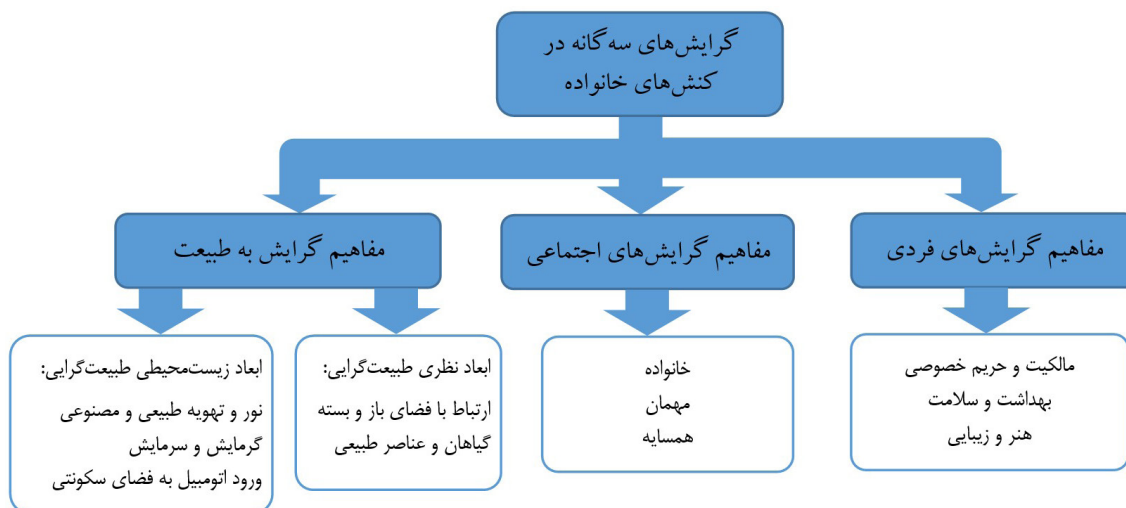
مالکیت و حریم خصوصی: ۱۱ نفر از مصاحبه‌شوندگان خانه‌های «(۱»

نظر ساختاری نیز داده‌ها در چهار محور مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که قواعد و الزامات فقهی هم در قالب محتویات اخلاقی و هنجارهای ساکنین در کنش‌ها محقق می‌شود و هم به کمک منابع تخصیص ساخت مسکن، در کالبد فضاهای سکونتی جلوه می‌یابد.



تصویر ۲. چارچوب نظری در کدگذاری کنش‌های خانواده.

از نظر محتوایی، در طبقه گرایش‌های فردی، مفاهیمی مانند امنیت و حریم خصوصی در درونگرایی فضاهای معماری مصداق می‌یابد؛ یا هنر و زیبایی در قالب سبک‌های طراحی نمای خارجی و داخلی؛ و سلامت در ارتباط با بهداشت فردی در فضاهای سکونتی محقق می‌شود. مفاهیمی چون خانواده، مهمان و همسایگی نیز در طبقه کنش‌های اجتماعی انسان و نحوه تحقق آن‌ها در فضاهای سکونتی قابل ارزیابی است. در طبقه کنش‌های انسان در ارتباط با طبیعت، اهمیت و ارزش نظری طبیعت‌گرایی مانند اهمیت ارتباط با فضای باز و بسته و گیاهان و دیگر عناصر طبیعت و از نظر ابعاد زیست‌محیطی، نور و تهویه طبیعی و مکانیکی و سیستم‌های گرمایش و سرمایش مورد توجه است که در تصویر ۲ نمایش داده شده است.



تصویر ۳. مفهوم‌سازی در گرایش‌های سه‌گانه در کنش‌های خانواده.

جدول ۳. مؤلفه‌های هویت فرهنگی در چارچوب نظری پژوهش.

ساخت (فرهنگ) در فضاهای مسکونی		مفاهیم رایج در گرایش‌های سه‌گانه		گرایش‌های سه‌گانه در کنش‌های خانواده	
قواعد (محدودکننده)		منابع (تواناکننده)			
قوانین و الزامات قانونی	هنجارها و ارزش‌های اخلاقی	منابع تخصیص (اقتصاد، فناوری و محیط زیست)	منابع تولید فرمان (فقه و سنت)		
قوانین حوزه بهداشت و سلامت و الزامات فضاهای بهداشتی	ارزش‌ها و هنجارهای بهداشتی خانواده	تأثیر منابع اقتصادی و فنی و اقلیم در حوزه بهداشت و سلامت	بهداشت و سلامت در منابع فقهی و سنت‌ها	بهداشت و سلامت	
الزامات و قوانین نما و معماری داخلی	هنجارهای خانواده در طراحی نما و معماری داخلی	اقتصاد، اقلیم و فناوری‌های طراحی نما و معماری داخلی	هنر و زیباشناسی در فقه و سنت	هنر و زیبایی	
قوانین مربوط به مالکیت و حریم خصوصی	مالکیت و حریم خصوصی در هنجارهای خانواده	تأثیر اقتصاد، جمعیت و فناوری‌های ساخت بر مالکیت و حریم خصوصی	مالکیت و حریم خصوصی در فقه و سنت	مالکیت و حریم خصوصی	
قوانین مربوط به کنش‌ها و فضاهای خانوادگی	هنجارها و ارزش‌ها در کنش‌های خانواده	منابع تخصیص در خانواده و فضاهای خانوادگی	احکام و سنت‌های حوزه خانواده	خانواده	
قوانین مربوط به کنش‌ها و فضاهای مهمانی	هنجارها و ارزش‌ها در ارتباط با مهمان	منابع تخصیص مؤثر بر فضای مهمان	آداب و احکام مهمان در منابع فقهی و سنت‌ها	مهمان	
قوانین مربوط به همسایه و واحد همسایگی	مناسبات خانواده در ارتباط با همسایه	تأثیر اقتصاد، فناوری و جمعیت بر همسایگی	آداب و احکام همسایه در فقه و سنت	همسایگی	
قوانین مربوط به فضای باز نیمه‌باز و فضای سبز	مناسبات خانواده در ارتباط با طبیعت	تأثیر اقتصاد، فناوری و محیط زیست بر ارتباط خانواده با طبیعت	اهمیت طبیعت در فقه و سنت	فضای باز و نیمه‌باز فضای سبز	ابعاد نظری طبیعت‌گرایی
			احکام و سنت‌های متفرقه سکونت و خانواده		
قوانین پارکینگ و آپارتمان‌نشینی	هنجارهای متفرقه خانواده و نحوه استفاده از اتومبیل	تأثیر ورود اتومبیل و منابع نوین بر خانواده	جایگاه نور و تهویه در فقه و سنت	نور و تهویه	گرایش به طبیعت و مسائل زیست‌محیطی
قوانین نورگیری و تهویه	جایگاه نور و تهویه در هنجارهای خانواده	تأثیر اقلیم و فناوری بر نور و تهویه	احکام فقهی و سنت‌های گرمایش و سرمایش	سیستم‌های گرمایش و سرمایش	

جدول ۴. گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های فردی در گونه‌های سکونتی دهه‌های مطالعه شده.

گونه	ویلايي اوليه	ویلايي متاخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متاخر
بهداشت و سلامت	رعایت جهت قبله در توال، توال در حیاط و زیر پله یا راه پله یا داخلی و حیاط روشویی و توال مجزا حمام و رختکن مجزا، ورود از راه پله یا راهرو	رعایت جهت قبله در توال، ارتقای سطح بهداشت فضاهای بهداشتی، توال داخل کنار حال گاهی ادغام روشویی و توال حمام و رختکن گاهی مجزا، ورود از راه پله	رعایت جهت قبله در توال، سرویس خواب‌ها یا در پیش‌رو، و گاهی سرویس مستقل والدین، روشویی و توال یکپارچه، توال فرنگی، میلمان و دگوراسیون جدید، حمام و رختکن یکپارچه و گاهی با توال فرنگی، ورود از راه پله معمولاً با پیش‌رو و استفاده از عایق‌های نوین و شیشه دوجداره	رعایت جهت قبله در توال، سرویس خواب‌ها یا در پیش‌رو، و گاهی سرویس مستقل والدین، روشویی و توال یکپارچه، توال فرنگی، میلمان و دگوراسیون جدید، حمام و رختکن یکپارچه و گاهی با توال فرنگی، ورود از راه پله معمولاً با پیش‌رو و استفاده از عایق‌های نوین و شیشه دوجداره
هنر و زیبایی	غالباً نمای سیمانی و آجری یا سنگ سفید ازنا و الیگودرز	غالباً نمای سیمانی و آجر و سنگ سفید ازنا و الیگودرز	روح شیشه رفلکس و به ترتیب نمای آجر سه سانت، سنگ سفید تیشه‌ای، اواسط دهه ۸۰ گرانیب و تراورتن	به ترتیب، کاربرد نمای تراورتن، آلومینیم کامپوزیت، نمای رومی و آجر نسوز و سنگ مصنوعی و سرامیک و پودر سنگ و... تأکید بر ایمنی نما با اسکوپ سنگ نما
مالکیت و حریم خصوصی	سطح داخلی ساده و گچ‌بری با وینترین گچی و چوبی و شیشه‌رنگی	حذف دیوارهای غیرباربر به مدد سازه فلزی، غالباً سطوح داخلی ساده و گچ‌بری با وینترین چوبی	نیاز به وسعت بیشتر فضاها با ورود میلمان جدید، افزایش سطوح شفاف و کاهش سطح دیوارهای غیرباربر به مدد سازه فلزی، سقف ساده یا گچ‌بری یا کاذب با رابیتس و گچ با هالوزن	افزایش سطوح شفاف و حذف دیوارهای غیرباربر به مدد سازه بتنی، نیاز به وسعت بیشتر فضاها با ورود میلمان جدید، گچ‌برک کثاف و ال ای دی و ام دی اف با میل و گاهی دیوار تلویزیون، انواع کابینت و کمد میزبان و هایگلز و صفحه کورین و این طرح جزیره در دهه ۹۰
مالکیت و حریم خصوصی	واحد سکونتی مستقل، تفکیک فضای مهمان، آشپزخانه بسته، اتاق خصوصی مجاور فضای خانوادگی، سرویس داخل حیاط و زیرپله و گاهی مجاور حال، حیاط مستقل دارای حریم خصوصی	واحد سکونتی مستقل، ادغام فضای مهمان و خانوادگی، باز شدن جداره آشپزخانه به هال-پذیرایی، حیاط مستقل دارای حریم خصوصی	ساختمان اشتراکی واحدهای سکونتی و از بین رفتن حریم صوتی و بصری واحد سکونتی، فضای مشترک مهمان و خانواده، آشپزخانه باز (آپن)، فضاهای بهداشتی گاهی مجاور نشیمن، حیاط اشتراکی و بالکن معمولاً بدون حریم خصوصی، دوربین و سیستم‌های امنیتی نوین، استفاده از شیشه رفلکس و وسیع و گاهی شیشه قدی و شیشه دوجداره و مصالح عایق صوتی، گسترش کاربرد فضای مجازی، اتاق شخصی اعضای خانواده و اتاق و سرویس مستقل والدین	ساختمان اشتراکی واحدهای سکونتی و از بین رفتن حریم صوتی و بصری واحد سکونتی، فضای مشترک مهمان و خانواده، آشپزخانه باز (آپن)، فضاهای بهداشتی گاهی مجاور نشیمن، حیاط اشتراکی و بالکن معمولاً بدون حریم خصوصی، دوربین و سیستم‌های امنیتی نوین، استفاده از شیشه رفلکس و وسیع و گاهی شیشه قدی و شیشه دوجداره و مصالح عایق صوتی، گسترش کاربرد فضای مجازی، اتاق شخصی اعضای خانواده و اتاق و سرویس مستقل والدین

اشاره داشته‌اند (جدول ۵).

مهمان: ۶۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان که ۱۰۰ درصد کسانی را که در گونه‌های اولیه ویلایی تجربه سکونت داشتند را شامل می‌شد، از کوچک شدن تدریجی گستره مهمان‌ها و حذف مهمان غریبه از فضاهای سکونت و ۱۵ درصد کاهش رفت‌وآمد با مهمان یا مهمان غریبه را اظهار کردند. برخی نیز حریم آشپزخانه‌های بسته در مقابل پذیرایی مهمان را تمجید کردند، اما در نهایت با توجه به عدم حضور مهمان غریبه و کاهش بعد خانوار و مترای فضای سکونت آشپزخانه این را ترجیح می‌دادند (جدول ۵).

همسایگی: در ۶۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان روابط همسایگی محدود به سلام و احوال‌پرسی بود که ۱۲ درصد از آن همان سلام و احوال‌پرسی هم محدود به چند همسایه بود و ۲۰/۵ درصد ارتباط خاصی با همسایه‌ها نداشتند. از علل این مسئله می‌توان تغییر فرهنگ‌ها و دگرگونی‌های واحد همسایگی و کوتاه شدن مدت حضور ساکنین در خانه‌ها برشمرد. در این خصوص ۶ درصد از ساکنین به کوچک‌تر شدن واحد همسایگی برای شناخت همسایه‌ها برای برقراری ارتباط تمایل داشتند و ۳۰ درصد از گونه‌های ویلایی و ۲۱ درصد از گونه‌های آپارتمانی (مجموعاً ۲۶/۴ درصد از کل ساکنین) فرزندانشان با فرزندان همسایه‌ها بازی می‌کردند یا مایل بودند بازی کنند که در ۱۴ درصد از گونه‌های آپارتمانی سروصدای بازی بچه‌ها در مواردی باعث نارضایتی برخی همسایه‌ها و برای بازی کودکان زمان‌بندی تعیین شده بود (جدول ۵).

گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش به طبیعت و مسائل زیست‌محیطی
فضای باز و فضای سبز: ۴۵ درصد از ساکنین خانه‌های ویلایی به‌ضرورت خصوصی بودن و عدم تسلط و اشراف برای استفاده از حیاط اشاره کردند. ۴۵ درصد از ساکنین خانه‌های ویلایی از حیاط برای بازی فرزندان و ۷۵ درصد به‌عنوان فضای زندگی و برای فعالیت‌های مختلفی مانند خوردن و خوابیدن، دور هم بودن یا غذا پختن و بازی کردن استفاده می‌کردند و تنها ۱۰ درصد آن‌ها از حیاط استفاده‌ای نداشتند. از گونه‌های

و ۲۰ و از نحوه کنترل اشراف و دید مزاحم رضایت در واحدهای سکونت خود ابراز رضایت داشتند و تنها مصاحبه‌شونده شماره «(۱-۲۰)» از ساکنین طبقه بالای گونه‌های ویلایی دوطبقه از عدم احساس آرامش از سروصدای بازی فرزندان در منزل (و ایجاد سروصدا برای همسایه زیرین) سخن گفته بود، که البته این مسئله مانع از بازی فرزندان نبود. برعکس از ۱۴ نفر مصاحبه‌شونده گونه‌های «(۱ و ۲)»، ۱۰ نفر از نداشتن حریم صوتی و ۶ نفر از وضعیت حریم بصری خود گله‌مند بودند. ۶ نفر از ۸ نفر باقی‌مانده با توجه به سکونت در طبقه آخر، یا کوتاه‌مرتبه بودن ساختمان مقابل از وضعیت حریم بصری خود فعلاً راضی بودند و ۲ نفر نیز از داشتن شیشه رفleks رضایت نسبی داشتند. ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان گونه ویلایی صراحتاً نداشتن مالکیت و حریم خصوصی را در خانه ویلایی نسبت به آپارتمانی ابراز کردند. در ۹ مورد از گونه‌های ویلایی اتاق والدین از فرزندان تفکیک نشده بود و با توجه به بالا بودن بعد خانوار نسبت به دهه‌های متأخر، به‌صورت موردی و موقت از پذیرایی، نشیمن، یکی از اتاق‌ها یا حیاط و بام در تابستان، به‌عنوان فضای خواب استفاده می‌کردند. البته در اغلب الگوهای ویلایی تفکیک جنسیتی فرزندان در اتاق‌های خصوصی اتفاق افتاده است و معمولاً یکی از اتاق‌ها مورد استفاده از دختر یا دختران خانواده و یکی مورد استفاده پسر یا پسران خانواده بوده است (جدول ۴).

گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های اجتماعی

خانواده: ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان که در رده سنی زیر ۴۰ سال نیز بودند، به کمتر شدن حضورشان در خانه اشاره مستقیم داشته‌اند. البته نیمی از مصاحبه‌شوندگان هر دو گونه ویلایی و آپارتمانی بیشتر وقت خود را در فضای نشیمن و در کنار دیگر اعضای خانواده می‌گذرانند. هم‌چنین ۴۵ درصد از ساکنین گونه‌های ویلایی و ۲۱ درصد از ساکنین گونه‌های آپارتمانی، آشپزخانه باز^۱ و ۲۰ درصد از ساکنین گونه‌های ویلایی و ۷ درصد از ساکنین گونه‌های آپارتمانی، آشپزخانه نیمه‌باز و تنها ۱۰ درصد از کل ساکنین، مزایای آشپزخانه بسته را ترجیح می‌دادند که برخی مستقیماً به مزیت امکان ارتباط بیشتر با اعضای خانواده در آشپزخانه باز

جدول ۵. گزارش یافته‌ها در گرایش‌های اجتماعی انسان در گونه‌های سکونت دهه‌های مطالعه‌شده.

گونه	ویلایی اولیه	ویلایی متأخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متأخر
خانواده	تنوع فعالیت‌های خانواده در فضاهای مختلف باز و بسته خانه، فناوری ساخت دیوار باربر آجری حضور خانواده در فضای هال آشپزخانه بسته با یک در به هال و معمولاً دریچه به پذیرایی	تمایل به وسعت و شفافیت بیشتر فضاهای نیاز میلمان جدید به فضای وسیع‌تر و مدد فناوری‌های اسکلت فلزی و بتنی برای ساخت آن، حضور خانواده در هال-پذیرایی، حذف دیوار (در) بین هال و پذیرایی، باز شدن آشپزخانه برای ارتباط بیشتر با نشیمن	کاهش بعد خانوار، فناوری ساخت اسکلت بتنی و افزایش تراکم ساختمانی، اشتغال زنان و کاهش حضور اعضای خانواده (زن) در خانه، گسترش شبکه‌های مجازی ارتباط جمعی و استقلال بیشتر فعالیت اعضای خانواده، حضور خانواده در نشیمن آشپزخانه باز، کاهش عرصه فضاهای سکونت و نشیمن و پذیرایی یکپارچه سطوح شفاف	کاهش حضور مهمان، فناوری ساخت اسکلت بتنی و افزایش تراکم ساختمانی، اشتغال زنان و کاهش حضور اعضای خانواده (زن) در خانه، گسترش شبکه‌های مجازی ارتباط جمعی و استقلال بیشتر فعالیت اعضای خانواده، حضور خانواده در نشیمن آشپزخانه باز (آپن)، نشیمن و پذیرایی یکپارچه و افزایش سطوح شفاف
مهمان	حضور مستمر مهمان در خانه تفکیک فضای مهمان غریبه از فضای خانوادگی، بستن ارتباط پذیرایی و آشپزخانه	کاهش حضور مهمان غریبه در خانه ادغام فضای مهمان و خانواده، باز شدن جداره آشپزخانه به پذیرایی	کاهش حضور مهمان، کاهش التزام به توصیه‌های دینی، ادغام فضای مهمان و خانواده، کاهش مهمانی و مراسم‌های پرسروصدا در خانه، انتقال بازی‌های فیزیکی به خارج از فضاهای سکونت، گسترش بازی‌های کامپیوتری	کاهش حضور مهمان، کاهش التزام به توصیه‌های دینی، ادغام فضای مهمان و خانواده، کاهش مهمانی و مراسم‌های پرسروصدا در خانه، انتقال بازی‌های فیزیکی به خارج از فضاهای سکونت، گسترش بازی‌های کامپیوتری
همسایگی	رابطه دوستانه و رفت‌وآمد با همسایه، روابط همسایگی در معابر	کاهش رابطه و رفت‌وآمد با همسایه و روابط همسایگی در معابر تحت تأثیر هنجارها و فضاهای سکونت	حذف تدریجی روابط همسایگی در معابر و کاهش روابط همسایگی، حضور قوانین جدید برای شکل جدید واحدهای همسایگی	افزایش تراکم واحدهای همسایگی و حضور همسایه‌های بیگانه و موقتی، کاهش روابط همسایگی و بازی فرزندان با فرزندان همسایه تحت تأثیر متقابل هنجارها و واحدهای همسایگی

مشاهده‌ها و مصاحبه‌های صورت‌گرفته در گام میدانی می‌پردازیم. برای این مقصود براساس دسته‌بندی چارچوب نظری پژوهش و با توجه به تحولات مشاهده شده، میزان سطح پایایی و پویایی در هریک از مفاهیم اعتبار شده در حوزه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت در منابع و قواعد هریک از گونه‌های سکونتی در جداول و نمودارهای جمع‌بندی نمایش داده شده است. در امتیازدهی به میزان پایایی و پویایی از سه سطح پایا با ۲ نمره به پایایی (صفر نمره به پویایی) و بینابین با ۱ نمره به پایایی و ۱ نمره به پویایی و پویا با ۲ نمره به پویایی (صفر نمره به پایایی) استفاده شده است. (جدول ۷) در این راستا منابع فقهی، پویایی چندانی نداشته‌اند اما در بسیاری موارد مانند احکام حوزه مهمان و همسایه و غیره منابع جدیدی مانند رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباط جمعی و الگوهای غربی به منابع تولید فرمان اضافه شده‌اند. در ادامه بر اساس امتیازات ارزیابی شده در نمودارهای تصاویر (۴-۶) مؤلفه‌های مختلف ارکان ساخت (منابع و قواعد) فضاهای سکونتی و فاکتورهای مختلف از گرایش‌های فردی و اجتماعی و گرایش به طبیعت به تصویر کشیده شده است.

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی کرمانشاه در دهه‌های مطالعه شده در هر یک از گرایش‌ها و مؤلفه‌های آن یا در هر یک از مؤلفه‌های ساخت و یا در هرگونه سکونتی قابل بررسی است. سطح پایایی و پویایی در هر یک از مؤلفه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت، در نمودار تصویر (۴) و برآیند آن در تصویر (۵) به تصویر کشیده شده است.

در حوزه گرایش‌های فردی در حوزه بهداشت و سلامت، حذف تدریجی پیش‌ورودی در منابع تخصیص، به علت تحولات اقلیمی کرمانشاه و تاسیسات نوین گرمایش و سرمایش و در قواعد و هنجارهای ساکنین، تمایل آن‌ها به گشودگی و وسعت بیشتر فضاها و تغییر منابع تولید فرمان بوده است. در این حوزه فضاهای بهداشتی بیشترین تأثیر را در گونه اولیه ویلایی از قواعد و الزامات قانونی (راه یافتن سرویس و آشپزخانه به فضای داخلی)، و در گونه‌های بعدی به ترتیب از منابع تخصیص و قواعد و الزامات قانونی، هنجارهای ساکنین و منابع فقهی داشته‌اند. بیشترین تأثیر در حوزه هنر و زیبایی به ترتیب در تحولات منابع تخصیص و در هنجارها به تجمل‌گرایی و تنوع طلبی و تغییر منابع تولید فرمان از سنت‌های ایرانی به الگوهای غربی، خصوصاً در ورود سبک‌های کلاسیک و رومی بوده است. اهمیت حریم خصوصی در منابع تولید فرمان و هنجارها و ارزش‌های ساکنین کاهش چندانی نداشته و در استقلال بیشتر فضاهای داخلی

اولیه و متأخر آپارتمانی کسی برای فعالیت‌های زیستی نام برده از حیاط استفاده‌ای نداشت و تنها در ۲۱ درصد آنها کودکان در حیاط بازی می‌کردند. ۷۱ درصد از گونه‌های آپارتمانی اولیه از حیاط آپارتمان به‌عنوان پارکینگ خودروها استفاده می‌کردند، اما با اختصاصی شدن پارکینگ‌ها از اواسط دهه ۸۰، این مسئله در گونه‌های متأخر آپارتمانی دیده نشد (جدول ۶).

مسائل زیست‌محیطی: همه مصاحبه‌شوندگان گونه‌های آپارتمانی اهمیت نورگیری و تهویه طبیعی در فضاهای سکونتی را مطرح کردند و در صورت داشتن نور و تهویه ابراز رضایتمندی و در صورت محرومیت از آن (حتی به‌صورت موضعی) ابراز ناراضی‌ت می‌کردند. ۱۵ درصد از ساکنین ویلایی و ۴۳ درصد از ساکنین آپارتمانی با وجود رضایت نسبی از بخاری گازی، به ترجیح استفاده از پکیج و رادیاتور اشاره کردند و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های متأخر آپارتمانی از پکیج و رادیاتور ناراضی بودند و ۵ درصد از گونه‌های ویلایی و ۷ درصد از ساکنین گونه آپارتمانی از کولر آبی ناراضی بودند و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های آپارتمانی متأخر گرمایش از کف و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های آپارتمانی متأخر تهویه مطبوع را ترجیح می‌دادند. مصاحبه‌شوندگانی که پارکینگ نداشتند و یا به‌صورت اشتراکی استفاده می‌کردند، داشتن پارکینگ اختصاصی را ضرورت می‌دانستند و ۷۱ درصد از مصاحبه‌شوندگان آپارتمانی متأخر از داشتن پارکینگ اختصاصی ابراز رضایت کردند یا حتی به داشتن پارکینگ اضافه میل بودند (جدول ۶).

در نهایت از ۸ نفر خانم در بازه سنی ۴۰ سال و کمتر ۶۲/۵ درصد خانه آپارتمانی را بر ویلایی ترجیح می‌دادند و ۱۲/۵ درصد نظری نداده بودند و ۲۵ درصد ویلایی را ترجیح می‌دادند. در حالی که از ۴ خانم مصاحبه‌شوندگان بالای ۵۰ سال فقط یک نفر (۲۵ درصد) زندگی در خانه آپارتمانی را ترجیح می‌داد و ۷۵ درصد موافق زندگی در خانه ویلایی بودند. علت این مسئله جمعیت بیشتر و در نتیجه احساس امنیت بیشتر در زندگی آپارتمانی و در یکی از موارد (بالای ۵۰ سال) سهولت نظافت و نگهداری واحد آپارتمانی ذکر شد. برعکس، هیچ‌یک از آقایان مصاحبه شده، خانه آپارتمانی را بر ویلایی ترجیح ندادند و ۹۵ درصد از جمعیت خانه ویلایی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مصاحبه اظهار کرده بودند.

تحلیل یافته‌ها

در ادامه با توجه به مدل‌های نظری پژوهش به تحلیل محتوای

جدول ۶. گزارش یافته‌ها در گرایش انسان به طبیعت و محیط زیست در گونه‌های سکونتی مطالعه شده.

گونه	ویلایی اولیه	ویلایی متأخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متأخر
زیست‌محیطی	تنوع فعالیت‌های زیستی در حیاط (خوردن و خوابیدن و بازی و...) حضور گیاهان و درختان میوه و حوض آب در حیاط، حیاط دارای حریم خصوصی	حضور تدریجی خودرو در حیاط، تنوع فعالیت‌های زیستی در حیاط (خوردن و خوابیدن و بازی و...)، حضور گیاهان و درختان میوه و حذف حوض	حضور خودرو در حیاط، استفاده اشتراکی از حیاط (مشاعات)، کاهش یا حذف باغچه از حیاط، از بین رفتن حریم فضاهای باز و نیمه‌باز، جایگزینی بالکن برای برخی کاربری‌های حیاط، قوانین مشاعات و پارکینگ	حذف خودرو از حیاط و انتقال آن به پارکینگ اختصاصی با اجرایی شدن قوانین پارکینگ و مشاعات، استفاده اشتراکی از حیاط، گسترش بلندمرتبه‌سازی و از بین رفتن حریم فضاهای باز و نیمه‌باز، کاهش سطح فضای باز
ابعاد زیست‌محیطی	گرمایش با بخاری نفتی و سرمایش با پنکه و کولر آبی دستی	گرمایش با بخاری گازی و سرمایش با کولر آبی سقفی	گرمایش با بخاری و شومینه گازی و گاهی موتورخانه و شومینه با کولر آبی	گرمایش با پکیج و شومینه (گاهی گرمایش کف و تهویه مطبوع) و سرمایش با کولر آبی و گازی، رواج شیشه‌های دوجداره و عایق‌ها
	نورگیری و تهویه طبیعی غالب فضاهای	نورگیری و تهویه طبیعی غالب فضاهای	کاهش نورگیری و تهویه طبیعی با افزایش بلندمرتبه‌سازی	کاهش نورگیری و تهویه طبیعی با افزایش تراکم ساخت و کاهش سطح فضای باز

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونت معاصر: موردپژوهی: فضاهای سکونت کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون

جدول ۷. سطح پایایی و پویایی منابع و قواعد در هریک از حوزه‌های فضاهای سکونت.

مجموع پویایی*	مجموع پایایی*	گرایش به طبیعت			گرایش‌های اجتماعی			گرایش‌های فردی			حوزه	
		مختصات (ناحیه‌ها)	مختصات (تور و تهره طبیعی)	طبیعت (فضای باز)	همسایه	مهمان	خانواده	مالکیت و حریم خصوصی	هنر و زیبایی	بهداشت و سلامت	گونه سکونت	ساخت
۰	۱۸	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	ویلایی اولیه	منابع توزیع‌فرمان**
۲	۱۶	پایا	پایا	پایا	پایا	بین‌باین	پایا	پایا	پایا	بین‌باین	ویلایی متأخر	
۴	۱۴	پایا	پایا	پایا	بین‌باین	بین‌باین	پایا	پایا	بین‌باین	بین‌باین	آپارتمانی اولیه	
۸	۱۰	بین‌باین	پایا	پایا	پویا	پویا	بین‌باین	پایا	بین‌باین	بین‌باین	آپارتمانی متأخر	
*	۵۸	۷	۸	۸	۵	۴	۷	۸	۶	۵	مجموع پایایی	
۱۴	*	۱	۰	۰	۳	۴	۱	۰	۲	۳	مجموع پویایی	
۸	۱۰	پویا	بین‌باین	بین‌باین	پایا	پایا	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	ویلایی اولیه	منابع تخصصی
۱۲	۶	پویا	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	پویا	پویا	بین‌باین	بین‌باین	ویلایی متأخر	
۱۸	۰	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	آپارتمانی اولیه	
۱۸	۰	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	آپارتمانی متأخر	
*	۱۶	۰	۲	۲	۳	۳	۱	۱	۲	۲	مجموع پایایی	
۵۶	*	۸	۶	۶	۵	۵	۷	۷	۶	۶	مجموع پویایی	
۰	۱۸	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	ویلایی اولیه	قواعد و هنجارهای اخلاقی
۴	۱۴	بین‌باین	پایا	پایا	پایا	بین‌باین	پایا	پایا	بین‌باین	بین‌باین	ویلایی متأخر	
۸	۱۰	پویا	پایا	پایا	بین‌باین	پویا	پایا	بین‌باین	بین‌باین	پویا	آپارتمانی اولیه	
۱۳	۵	پویا	پایا	بین‌باین	پویا	پویا	بین‌باین	بین‌باین	پویا	پویا	آپارتمانی متأخر	
*	۴۷	۳	۸	۷	۵	۳	۷	۶	۴	۴	مجموع پایایی	
۲۵	*	۵	۰	۱	۳	۵	۱	۲	۴	۴	مجموع پویایی	
۴	۱۴	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	ویلایی اولیه	قواعد و الزامات قانونی
۵	۱۳	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	بین‌باین	پایا	پایا	بین‌باین	پایا	پایا	ویلایی متأخر	
۱۰	۸	بین‌باین	پویا	پویا	پویا	پایا	پایا	پویا	پایا	بین‌باین	آپارتمانی اولیه	
۱۲	۶	پویا	پویا	پویا	پویا	پایا	پایا	پویا	بین‌باین	بین‌باین	آپارتمانی متأخر	
*	۴۱	۳	۲	۲	۲	۸	۸	۳	۷	۶	مجموع پایایی	
۳۳	*	۵	۶	۶	۶	۰	۰	۵	۱	۲	مجموع پویایی	
*	۱۶۲	۱۳	۲۰	۱۹	۱۵	۱۸	۲۳	۱۷	۱۹	۱۷	مجموع پایایی*	
۱۴۶	*	۱۹	۱۲	۱۳	۱۷	۱۴	۹	۱۵	۱۳	۱۵	مجموع پویایی*	

از فضاهای سکونت انتقال یافته‌اند و با کم‌رنگ شدن و حذف مهمان غربیه از فضای سکونت، اُپن شدن و کاهش حریم فضای آشپزخانه رایج‌تر می‌شود و با کاهش حریم فضای آشپزخانه، حذف مهمان غربیه از فضاهای سکونت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رابطه متقابل ساخت و عامل). مفاهیم مهمان و خانواده بیشترین تأثیر را از تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای ساکنین داشته‌اند و منابع فقهی پایا بوده و قوانین نیز به حوزه خانواده و مهمان ورود نکرده‌اند. همسایگی بیشترین تأثیر را از تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای ساکنین و پویایی منابع تخصیص و

نمود یافته، اما تحت الشعاع بلندمرتبه‌سازی‌ها قرار گرفته و این مسئله از مهم‌ترین فاکتورهای تمایل ساکنین به خانه‌های ویلایی بوده است.

در حوزه گرایش‌های اجتماعی کم شدن رفت‌وآمد مهمان و مدت حضور آن در خانه خصوصاً با کوچک‌تر شدن واحدهای سکونت، کاهش اهمیت فضای مهمان و حذف فضای مستقل پذیرایی از مهمان و ادغام آن با نشیمن خانوادگی و خارج شدن اتاق استراحت مهمان از اولویت را در پی داشته است و بیشتر مهمانی‌ها، جشن‌ها و مراسم‌های پرسروصدا نیز عموماً به علت اشتراکی شدن فضاهای سکونت در آپارتمان‌ها به خارج



تصویر ۴. سطح پایایی و پویایی در هریک از حوزه های فضاهای سکونتی در گونه های سکونتی مورد مطالعه.

مؤلفه های ساخت (منابع و قواعد) فضاهای سکونتی منابع تولید فرمان به عنوان فقه و سنت، از بیشترین سطح پایایی برخوردار است، اما می توان گفت که ورود جامعه به عرصه تجدد و وسایل ارتباط جمعی و توسعه روزافزون استفاده از شبکه های اجتماعی منابع جدیدی را به منابع تولیدکننده فرمان در شکل گیری هنجارهای جامعه و خانواده افزوده که ساخت خانواده و سکونت را تحت الشعاع قرار داده است. این مسئله بیشتر در نمودار (۶) در مؤلفه هنجارهای ساکنین منعکس شده که به همین منظور در رتبه دوم پایایی قرار گرفته است. بیشترین سطح پویایی را نیز در منابع تخصیص و سپس قواعد و الزامات قانونی داشته ایم. تسریع پویایی در مورد بسیاری از قوانین به دنبال ورود منابع و فناوری های جدید ساخت مسکن و لزوم وضع استانداردهای لازم در به کارگیری آنها و همچنین راستای ارتقای کیفیت فضاهای سکونتی بوده است. در مورد گونه های سکونتی، بیشترین سطح پایایی را گونه های اولیه ویلایی و بیشترین پویایی را در گونه های آپارتمانی متأخر داشته ایم، به شکلی که در دهه های مورد مطالعه شاهد افزایش تدریجی سطح پویایی در فضاهای سکونتی بوده ایم (تصویر ۶).

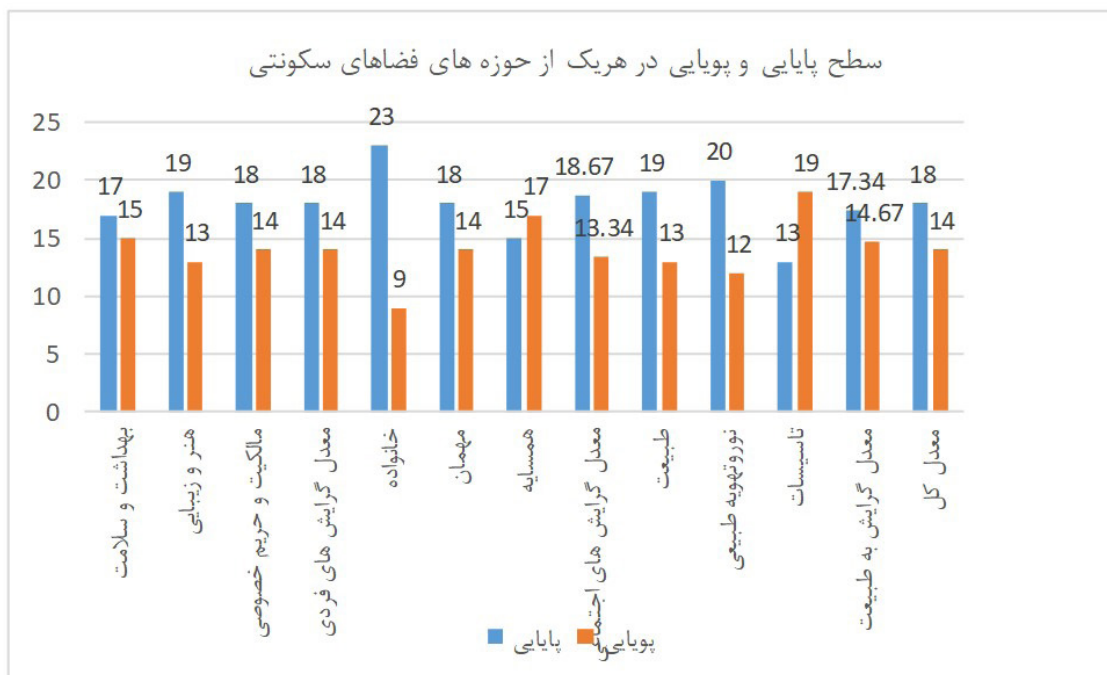
نتیجه

در رویکرد فرهنگی، محیط فرهنگی جایگاه ویژه ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد. از این منظر فضاهای مسکونی از دو بعد

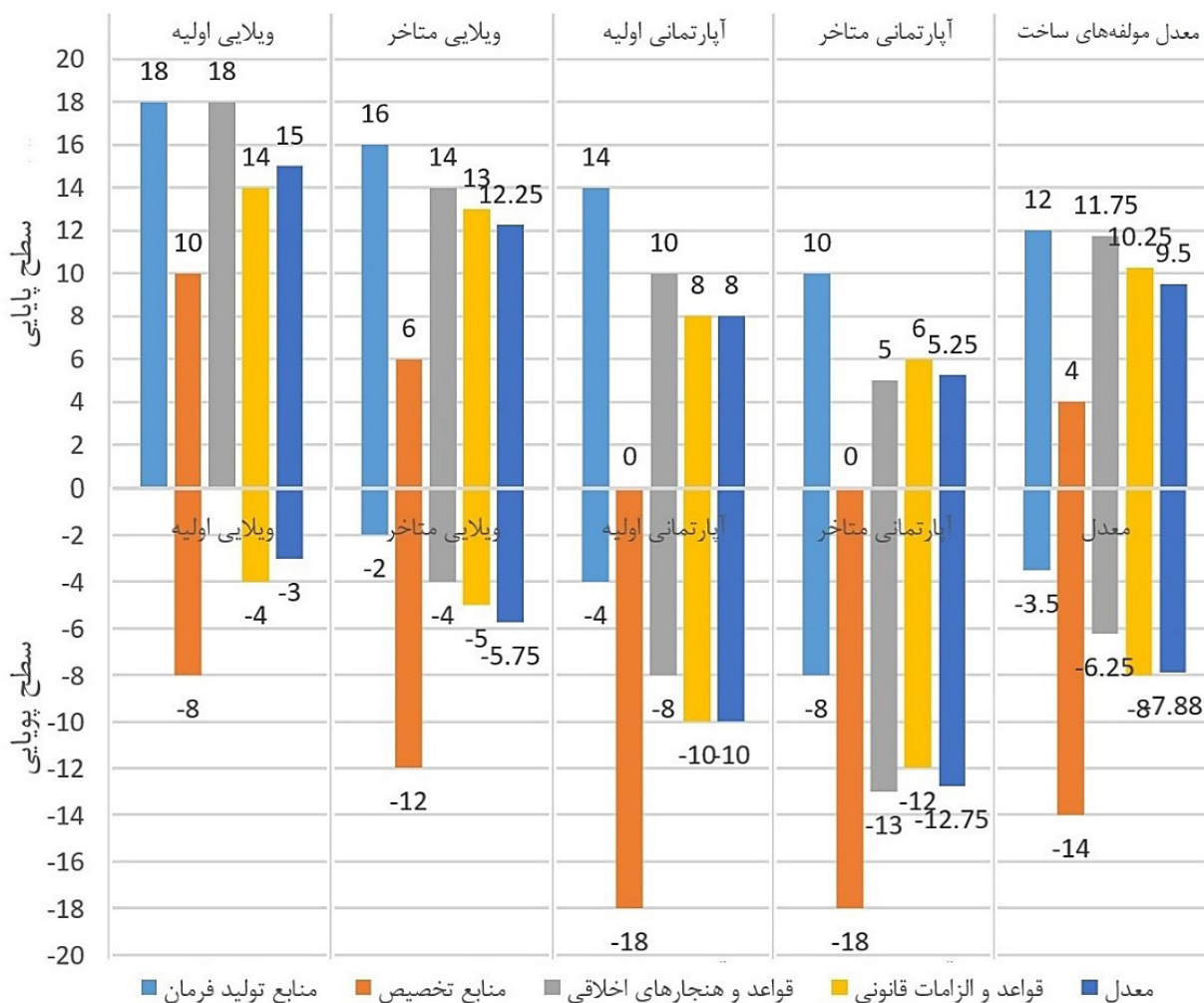
وضع قوانینی برای واحدهای همسایگی جدید داشته است. در حوزه طبیعت و ابعاد زیست محیطی، کاهش ارتباط با طبیعت و سطح فضای باز و سبز فضاهای سکونتی با کوچک شدن سهم خانواده ها از منابع تخصیص این حوزه و وضع قوانین و الزامات فضای باز و فضای سبز و نورگیرها و نحوه حضور اتومبیل رخ داده است. در حالی که بلندمرتبه سازی های دهه های ۸۰ و ۹۰، نور و تهویه طبیعی را به شدت تحت تأثیر قرار داده، قریب به اتفاق ساکنین، اهمیت و اولویت نورگیری و تهویه طبیعی در فضاهای سکونتی را مطرح کردند. می توان گفت، در محدودیت های ناشی از «تورم و سوداگری در بازار مسکن و افزایش تراکم های ساختمانی»، مانند کاهش حریم خصوصی خانواده، کاهش حضور طبیعت، میزان نور و تهویه طبیعی و کاهش سطح فضای باز، فضای سبز و عرصه واحدهای سکونتی با هنجارهای ساکنین ناهم سو و تقریباً در بقیه حوزه ها تغییر هویت فضاهای سکونتی، با هویت فرهنگی و مناسبات خانواده همسو بوده است و قوانین و مصوبات متعددی، در راستای هم گرای بیشتر هویت فرهنگی و فضاهای سکونتی در این حوزه تصویب شده است. در نهایت بیشترین پایایی را در حوزه خانواده و بیشترین پویایی را در حوزه تأسیسات گرمایش و سرمایش داشته ایم (تصویر ۵).

سطح پایایی و پویایی در هرگونه سکونتی و هریک از ارکان ساخت (منابع و قواعد) در نمودارهای شکل ۶ نمایش داده شده است. در

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی معاصر: موردپژوهی: فضاهای سکونتی کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون



تصویر ۵. برآیند سطح پایایی و پویایی در هریک از حوزه های فضاهای سکونتی مورد مطالعه.



تصویر ۶. سطح پایایی و پویایی در مؤلفه های ساخت (منابع و قواعد) گونه های سکونتی مورد مطالعه.

هر یک از حوزه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت تفاوت چشم‌گیری را نداشته است. (تصویر ۴) در خصوص نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری می‌توان گفت که اگرچه این پویایی در برخی از مؤلفه‌ها شدت و ضعف بیشتری دارد، اما در بیشتر مؤلفه‌ها به صورت متناظر در فرهنگ خانواده و ساختار فضای سکونت مشهود است و مؤلفه‌های متناقض بین پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای سکونت به صورت نارضایتی ساکنین بروز یافته است. به عنوان مثال همچنان که رفت و آمد با مهمان در خانواده به تدریج کم‌رنگ می‌شود، فضای مستقل مهمان نیز رفته‌رفته اهمیت خود را از دست می‌دهد. هم‌چنین با کم‌رنگ شدن و حذف مهمان غریبه از فضای سکونت، آبن شدن و کاهش حریم فضای آشپزخانه رایج‌تر می‌شود و با کاهش حریم خصوصی فضای آشپزخانه، حذف مهمان غریبه از فضاهای سکونت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رابطه متقابل ساخت و عامل). در مورد مؤلفه‌های ساخت نیز می‌توان گفت که بیشترین پویایی در منابع تخصیص و کم‌ترین آن در منابع تولید فرمان بوده است. این مسئله باعث عدم رضایت ساکنین فضاهای سکونت از کم‌رنگ شدن برخی مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگی خود در گرایش‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و طبیعت و محیط زیست شده که امکان تحقق در فضاهای سکونت متاخر را نداشته‌اند. این عدم رضایت نشان از ناسازگاری فضای سکونت با هویت فرهنگی خانواده در مؤلفه‌های مذکور دارد. از آن جمله می‌توان مفاهیم مالکیت و حریم خصوصی در گرایش‌های فردی، مهمان در گرایش‌های اجتماعی و ارتباط با فضای باز و فضای سبز در گرایش به طبیعت را نام برد. در این راستا تمرکز بر نقاط تناقض در مؤلفه‌های هویت فرهنگی خانواده و معماری فضاهای مسکونی و ارائه راه کارهای عملی برای ارتقای سطح رضایت‌مندی ساکنین فضاهای سکونت، برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌گردد. هم‌چنین بسط مؤلفه‌های این پژوهش در گونه‌های مختلف فضاهای سکونت می‌تواند در تحقق پایایی این پژوهش ره‌گشا باشد.

هویتی واجد اهمیت است: از یک بعد به عنوان پدیده‌ای فرهنگی، بازتاب (نظام) معماری خانواده و مظهری برای نمایش ارزش‌های فرهنگی و از بعد دیگر به عنوان یک سیستم (نظام)، واجد ساختار شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای فرهنگی. در این راستا در سطح مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر فضاهای سکونت، با ارزش‌های موجود در علم اخلاق مواجهیم که قواعد و ساختارهایی در رابطه با هنجارها (بایدونباید‌های فرهنگی) تولید می‌کنند، یا در آن‌ها محقق می‌شوند. در سطح بعدی که الگوهای عینی فضاها شکل می‌گیرد، فعالیت‌های فرهنگی یا همان افعال، رفتارها و کنش‌های انسانی رخ می‌دهد که به صورت دوسویه بر هم تأثیرگذارند، یعنی هم کنش‌ها را شکل می‌دهند و هم در کنش‌ها محقق می‌گردند. در نتیجه در پاسخ به سؤال اول پژوهش در مورد نسبت هویت فرهنگی با معماری فضاهای سکونت می‌توان گفت که فرهنگ از نظر ساختار دادن به کنش‌های انسان و به دنبال آن، ساختاریافتن از کنش‌های انسان، به منزله ساخت عمل می‌کند. یعنی فرهنگ خانواده و سکونت، نظام معماری خانه و فضاهای سکونت را شکل می‌دهد. پس معماری فضای سکونت بازتولید فرهنگ سکونت و از طرف دیگر، بستر تحقق فرهنگ سکونت است. یعنی سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده، آداب و سنت‌های معماری فضاهای سکونت را شکل می‌دهد و آداب و سنت‌های معماری، بستر شکل‌گیری سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده می‌شود.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش در مورد نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای سکونت کرمانشاه در دهه‌های اخیر می‌توان گفت که از دهه ۶۰ تا کنون به تدریج از شدت پایایی هویت فرهنگی خانواده و معماری فضاهای سکونت کاسته و به صورت تصاعدی بر پویایی آن‌ها افزوده شده است. (تصویر ۶) این پویایی هم در مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگی و هم معماری فضاهای سکونت مشهود است و با وجود اینکه در هر یک از مؤلفه‌ها متفاوت بوده، اما در برآیند مؤلفه‌های

doi: 10.52547/ciauj.7.1.298

بلیکی، نورمن (۱۳۹۵). طراحی پژوهش‌های اجتماعی (ترجمه حسن چاوشیان). نشر نی، تهران. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۰).

بهشتی‌نژاد، محمد (۱۴۰۱). نقد نظریه فرهنگی آنتونی گیدنز. نشریه سیاست‌پژوهی تحول در علوم انسانی، ۱(۱)، ۲۷-۴۹.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23830263.1401.1.1.2.7>

پارسا، حمید (۱۴۰۰). جهان‌های اجتماعی. قم: انتشارات کتاب فردا. پارسا، حمید؛ دانایی‌فرد، حسن و حسینی، سیدابوالحسن. (۱۳۹۳). دلالت‌های نظریه اعتبارات برای تحول در علوم انسانی. فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۲(۱)، ۲۳-۴۸.

<https://ensani.ir/fa/article/408911>

پیربابایی، محمدتقی و ایرانشاهی، رحیم (۱۳۹۹). واکاوی نقش فرهنگ وقف در تکوین ارسن‌های شهری بر اساس نظریه ساخت‌یابی. نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۵(۲)، ۱۷-۳۶. doi: 10.29252/ciauj.5.2.17

حسینی، سیدحمیدرضا و موسوی، هادی (۱۳۹۱). ساخت و عامل در نظریه اعتبارات علامه طباطبایی و نظریه ساخت‌یابی گیدنز. دوفصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۲(۲)، ۱۲۹-۱۵۹.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2012.54306>

پی‌نوشت‌ها

1. Structuration.
2. Anthony Giddens.
3. rules.
4. resources.
5. authoritative resources.
6. allocative resources.
7. legal requirements (legitimation).
8. signification (norms).
9. open.

فهرست منابع

آقایی مهر، معین (۱۴۰۰). تبیین پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونت (موردپژوهی: مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر کرمانشاه). رساله برای اخذ درجه دکتری معماری اسلامی. به راهنمایی دکتر مینو قره‌بگلو و دکتر محمدتقی پیربابایی. دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز.

آقایی مهر، معین و قره‌بگلو، مینو (۱۳۹۹). معاصر سازی هویت-مبنا؛ نمونه موردی: بافت‌های شهری معاصر ایران در دوره پهلوی. فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، ۱۰(۱)، ۱۱-۱۸. doi: 20.1001.1.23224991.1399.10.1.5.1

آقایی مهر، معین؛ قره‌بگلو، مینو و پیربابایی، محمدتقی (۱۴۰۲). ساخت‌یابی معماری فضاهای سکونت با رویکرد فرهنگ ایرانی-اسلامی. نشریه علمی پژوهشی فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۱(۱)، ۲۰-۴۲.

society in the late modern age. Stanford University Press, California.

Giddens, A. (1997). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Cambridge Polity, New York City.

Jenkins, R. D. (2014). *Social identity*. Routledge, London.

Jung, C. G. (1969). *Structure and dynamics of the psyche*. Routledge, London.

Krippendorff, K. (2012). *Content analysis: An introduction to its methodology*. Sage Publication, London.

Lang, J. (1987). *Creation of architectural theory, the role of behavioral sciences in environmental design*. Van Nostrand Reinhold, New York City.

Lechet, J. (1994). *Fifty great contemporary thinkers: From structuralism to modernity*. Routledge Press, London.

Marcus, C. C. (2006). *House as a mirror of self: Exploring the deeper meaning of home*. Nicolas-Hays, Inc, Haltom City.

Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. Prentice Hall Inc, New Jersey.

Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture, and design*. Locke Science Publishing Co, Bryan.

Scapens R. W. & Macintosh, N. B. (1996). Structure and agency in management accounting research: A response to Boland's interpretive act. *Journal of Accounting, Organizations and Society*, 21(7-8) 675-690. [https://doi.org/10.1016/0361-3682\(95\)00049-6](https://doi.org/10.1016/0361-3682(95)00049-6)

Schultz, C. N. (1988). *A choice of architecture: meaning and place*. Rizzoli Publication, New York City.

Schultz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, language and place*. Skira publisher, Milan.

Sewell Jr, W. H. (1992). A theory of structure: Duality, agency, and transformation. *American Journal of Sociology*, 98(1), 1-29. <https://doi.org/10.1086/229967>

Strauss, C. L. (1972). *Structural anthropology*. Penguin Books Ltd, London.

Tabatabai, M. S. (2008). *Social relations in Islam*. Book Garden press, Tehran. (In Persian)

سلیمانی، محمدرضا، اعتصام، ایرج، و حبیب، فرح (۱۳۹۵). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. *مجله علمی پژوهشی هویت شهر*، ۱۰ (۲۵)، ۱۵-۲۶. <https://sid.ir/paper/154608/fa>

صدیقی، بهرنگ. (۱۳۸۹). تئوری ساخت‌یابی گیدنز: پیامدهای تئوریک و روش شناختی و کاربرد عملی آن در جامعه‌شناسی. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۳ (۹)، ۱۴۲-۱۴۵. <https://sid.ir/paper/164866/fa>

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). *روابط اجتماعی در اسلام*. قم: بوستان کتاب.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۸). *اصول فلسفه و روش رئالیسم* (جلد دوم). تهران: انتشارات صدرا.

قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۴). *اهل کجا هستیم (هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی)*. تهران: نشر روزنه.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد و آقایی‌مهر، معین (۱۳۹۹). *اصول و مبانی معاصر سازی، معماری معاصر در بافت‌های کهن، ارزشمند و تاریخی*. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

Abel, C. (1997). *Architecture and identity: Towards a global eco-culture*. Architectural Press, Portland.

Berelson, B. (2000). *Content analysis in communication research*. Free Press.

Broadbent, J. (1980). An interview with Geoffrey Broadbent on meaning in architecture. *Journal of Faculty of Architecture*, 6(1), 7-30. <https://jfa.arch.metu.edu.tr/uploads/docs/sayilar/sayi-6-1/7-30.pdf>

Bryant, C. G. A., & Jary, D. (1991). *Introduction: Coming to terms with Anthony Giddens*. In *Giddens' theory of structuration: A critical appreciation*. Routledge, London.

Correa, C. (1983). *Architecture and identity*. Concept Media Pte Ltd, Singapore.

Frampton, K. (2007). *Critical regionalism, modern architecture and cultural identity*. In *Modern architecture: A critical history*. Thames and Hudson, London.

Giddens, A. (1990). *Consequences of modernity*. Stanford University Press, California.

Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and*